

توصیف شخصیت الهی رسول خدا(ص)

از زبان علی بن ابیطالب (ع)

در نهج البلاغه، توصیفات بسیار عالی درباره پیامبر اکرم از زبان امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است که ما آن‌ها را متذکر می‌شویم:
۱- إلی ان بعث الله سبحانه محمدا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله لإیجاز عدته و إتمام نبوته ماخوذا علی التّیین ميثاقه، مشهوره سماته، کریمآ صیلاه ۴۰۰۰، نهج البلاغه /خطبه ۱؛ (تا آنگاه که خداوند سبحان، محمدؐ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را که پیمان پذیرش پیامبری او را از همه پیامبران گرفته بود، برای انجام وعده خویش و اتمام اصل نبوت مبعوث نمود، پیامبری با علامت مشهور و ولادت شریفی….)
امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این جملات این صفات را برای پیامبر بیان فرموده‌اند:

الف. وسیله انجام یافتن وعده خداوندی که عبارتست از ارسال پیامبران برای هدایت مردم.
ب. اتمام‌کننده نبوت و ختم رسالت با آوردن دین جاودانی اسلام.

ج. خداوند ميثاق بعثت او را بر همه عالمیان و آوردن دین جاودان، از همه پیامبران گرفته بود.
د. علامات طبیعی و روحی او در کتاب‌های آسمانی و در معلومات اهل ذکر مشهور بوده است.

ه. میلاد او با کرامت بود، یعنی با نظر به سلسله پدران و مادران آن‌حضرت،هیچ فردی از چنان سلسله شریف با آن شرایط با عظمت به‌دینا نیامده بود.

۲- إنا لله بعث محمدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نذیرا للعالمین. و أمینا علی التّزئیل ۴۰۰۰، نهج البلاغه /خطبه ۱۰۶؛ (خداوند متعال، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را مبعوث کرد [بر حذر دارنده] عالمیان از غیبتش از ارسال پیامبران برای هدایت مردم. در این جملات دو صفت بسیار مهم آمده است:

الف. تبلیغ‌کننده [بر حذر دارنده] عالمیان از غیطه‌ورشدن در خودخواهی‌ها و خودکامگی‌ها و فرو رفتن در معاصی با بیان نتایج ناگوار این پلیدی‌ها.

ب. امین مطلق در تلقی وحی و رسانیدن آن به بندگان خداوند.

۳- حتی أفضت کرامة الله سبحانه وتعالی إلی محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله فأخرجه من أفضل الممادین منبأ، و أعرّ الأرومات مفرسا، من الشجرة التي صعد منها آتیهاته و انتجب منها أمناه.
عترت خیر العتر و سرتة خیر الأسر، و شجرته خیر الشجر، نبتت فی حرم، و بسقت فی کرم، لها فروع طوال، و ثمر لا ینال، فهو إمام من اتقی و بصیرة من اهتدی، سراج لمع ضوئه، و شهاب سقط نوره، و زلذذ برق لمعه، سیرته القصد و سننه الرشد، و کلامه الفصل، و حکمه العدل ۴۰۰۰
نهج البلاغه/خطبه ۹۲؛ (تا آنگاه که کرامت خداوندی سبحانه و تعالی منتهی به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله گشت. خداوند آن وجود مقدس را از برترین معادن پروریاونده و عزیزترین اصول و ریشه‌ها برای کاشتن بیرون آورد، در آن درختی که خداوند آن‌را بشکافته و پیامبرانش را از آن بیرون آورده، و امانی خود را از آن برگزیده است. عترت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بهترین عترت‌ها است، و دودمانش بهترین دودمان‌ها، درختش بهترین درخت‌ها است که در حرم روییده شده و به رشد رسیده است. برای آن درخت شاخه‌هایی است بلند و نمریست و قابل تقوی پورزه، و وسیله بینایی است برای کسی که هدایت‌یافته باشد. چراغی است که روشنایش درخشیده و ستاره‌ایست که نورش بارز و آشکار و آتش‌زنه‌ایست که لمعان آن برق تولید نموده است. سیرتش اعتدال و سننش رشد و کلام او جداکننده حق و باطل از هم، و حکم او عدل محض است.)
امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این جملات صفات زیر را برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان فرموده است:

الف. عظم و عظمت نیاکان که پیامبرانی گرامی از آن‌ها بوده‌اند و در خطبه اص ۴۴ نیز به این صفت اشاره فرموده‌اند.

ب. شرافت محیط خاص که مکه (حرم خدا) است.

ج. دودمانش بهترین دودمان‌ها است. مقصود ائمه معصومین علیه‌السلام و دیگر فرزندان متقی و رشد یافته آن حضرت می‌باشد. شرافت و عظمت دودمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نه تنها به جهت انتساب آنان به آن حضرت می‌باشد، بلکه به‌جهت تکاپو و کوشش آنان در مسیر رشد و کمال بوده است، این معنا از جمله «و بسقت فی کرم» (و به‌برفت و عظمت و کرامت انسانی نائل آمدند) و ده‌ها جملات دیگر از کلمات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیف خاندان عسمت در نهج البلاغه و دیگر سخنان آن بزرگوار، با کمال صراحت بر می‌آید.

د. برای عترت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شاخه‌های است بلند [در معرفت و کرم و تقوی و حکمت و عرفان و شجاعت] و محضرت غیر قابل وصول، به این معنی که محصور زندگانی بر آنست‌که از درخت حیات مردم معمولی برآید.
ه. پیشوای متقیان. و وسیله بینایی برای هدایت‌یافتگان.
و. روشنایی تابان، ستاره‌ای پر نور و به‌وجود آورنده انوار.
ز. سیرتش اعتدال.
ح. سننش رشد.
ط. کلامش جداکننده حق‌وباطل از یکدیگر.

۴- فهو أمینک المأمون و شهیدک یوم الدین، و بعینک نعمه، و رسولک بالحق رحمة. …

نهج البلاغه/خطبه ۱۱۶؛

(آن پیامبر، امین و مأمون تو، و شاهد تو در

روز قیامت، و مبعوث از جانب تو که نعمتی

برای جهانبیان است، و رسول بر حق تو که رحمتی است برای عالمیان).

الف. امین و مأمون [در خطبه ۲۶ ص ۶۸ نیز آمده است.]

ب. شاهد خداوندی در روز قیامت.

ج. بعثت او نعمتی برای جهانبیان و رحمتی برای عالمیان.

۵- اختاره من شجرة الأثیاء و مشکاة الضیاء و ذؤابة العلیا، و سرة البطحاء، و مصابیح الظلمة، و نایبیح الحکمة.
نهج البلاغه/خطبه ۱۰۸، (خداوند سبحان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را از درخت انبیا و چراغدان روشنایی و پیشانی عظمت و از ناف بطحاء و چراغ‌های روشنگر ظلمت و منابع حکمت آفرید.)

الف. آفریده شده و برگزیده از نسل پیامبران [این صفت در خطبه ۴۴ ص ۱۲۳ نیز آمده است.]

ب. شخصیت‌های نیاکان پیامبر منابع و کانون نور بوده و پیشانی روشن و بالا داشته‌اند [آفرینند بوده‌اند].

ج. از محیط بسیار مناسب که بطحاء است سرپلندکرده‌اند.

۶- أرسله داعیا إلی الحق و

شاهد علی الخلق، فلیغ رسالات ربه غیر و ان و لا مقصر، و جاهد فی الله أعدائه غیر واهن و لا معتز، إمام من اتقی، و بصر من اهتدی.

۷- إنا لله بعث محمدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نذیرا للعالمین. و أمینا علی التّزئیل ۴۰۰۰،

نهج البلاغه /خطبه ۱۰۶؛ (خداوند متعال، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را مبعوث کرد [بر حذر دارنده] عالمیان از غیبتش از ارسال پیامبران برای هدایت مردم. در این جملات دو صفت بسیار مهم آمده است:

الف. تبلیغ‌کننده [بر حذر دارنده] عالمیان از غیبتش از ارسال پیامبران برای هدایت مردم. در این جملات دو صفت بسیار مهم آمده است:

الف. وسایط او برای دعوت مردم به‌سوی حق و سعادت بر خلق بوده است. [عمویت رسالت او به‌سوی حق در خطبه ۲۶ ص ۶۸ نیز آمده است.]

ب. انجام دهنده رسالات خداوندی بدون سستی و تقصیر و اعتذار.

ج. پیشوای متقیان [این صفت در خطبه ۴۴ ص ۱۲۳ نیز آمده است.]

د. بینایی (وسیله بینایی برای هدایت‌یافتگان) یا برای هدایت جوانان [این دو صفت نیز در خطبه ۱۳۴ ص ۱۲۳ آمده است.]

۷- ولقد کان فی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله کاف لک فی الأسوة، و دلیل لک علی ذم التّیبا و عیبه، و کثرة مخازیها و مساویها، إذ قضبت عنها، و وطئت لغيره آکنافها و ظفم عن رضاءها، و زوی عن زخارفها
نهج البلاغه /خطبه ۱۱۶؛ (برای تو در وجود و سرگذشت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای تبعیت کافی است و در وجود تو بیخ نبود عیب و آن فراوانی مساوی‌ها و بدیهایش، با توجه به این جریان که اطراف و غشه‌های این دنیا از پیامبراکرم گرفته‌شده[آب شده] و آن بزرگوار از شر این دنیا بریده‌شد و آماده زر و زیورهای بی‌اساس آن برکنار گشت.)

الف. دنیا را تو بیخ فرموده است.

ب. او خود را از دنیا و عوامل لذت و زر و زیورهای بی‌اساس آن برکنار فرموده بود.

۸- فتأن بنیبک الأطیب الاطهر صلی‌الله‌علیه‌وآله أحب العباد إلی الله المتأسی بنیبه، و المقصص لأثره، قضم الدنیا قضمًا، ولم یعراها طرفًا، أفضم أهل الدنیا کسحا، و أخصهم من الدنیا بطن، و عرس علیه الدنیا فانی

یقیلها، و علم ان الله سبحانه أبغض شیئا فأبغضه، و حقر شیئا فحقره، و صغر شیئا فصغره، و لو لم یکن فینا إلا حینما ما أبغضنا، و لولا، و لولا، و تعظیمنا ما صغر الله ورسوله، و لکنفی به شقائقا، له و محادة عن أمر الله، و لقد کان صلی‌الله‌علیه‌وآله یأکل علی الأرض، و یجلس جلسة العبد، و یخصف بیده نمله و یقر بیده ثوبه،
نهج البلاغه/خطبه ۱۱۶؛

۹. پیروی کن از پیامبرت که پاک و پاکیزه‌ترین مخلوقات بود، درود خداوندی بر او و فرزندان او یاد، زیرا در آن وجود مقدس است شایستگی تبعیت برای کسی که بخواهد تبعیت نماید و شایستگی انتساب برای کسی که بخواهد خود را به او نسبت بدهد، و محبوب‌ترین بندگان در نزد خداکسی است که از پیامبرش پیروی نماید و اثر او تبعیت کند. از دنیا اندکی با اطراف ندان‌هایش خورد و دهانش را از غذای دنیا پر نکرد. و التفاتی به دنیا نفرمود، تهی‌گاه او از همه بود. دنیا لاغرتر و شکم او گرسنه‌تر از همه آنان است. پیروی او عرضه گشت. او از قبول آن امتناع ورزید. [وئی که] دانست خداوند چیزی را می‌بغوض داشته است، از آن چیز متنفر گشت [و وقتی که] دانست خداوند چیزی را تحقیر فرموده است، آن را تحقیر نمود، و چیزی را که خداوند ناچیزش کرده است، آن‌را ناچیز تلقی نمود. و اگر در درون ما نبود مگر محبت ما درباره چیزی که می‌بغوض خداوندی است و یا تعظیم ما درباره چیزی که خدا و رسولش آن‌را محقر فرموده‌اند، از حیث مخالفت با خدا و خصومت با امر خداوندی کفایت می‌کرد. آن رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله بر روی زمین غذا می خورد و مانند برده می‌نشست و کفش خود را با دستش می دوخت [و خطبه می‌زد] و با دست خود لباسش را

رسول اعظم (ص) از نگاه امیرالمؤمنین علی (ع)

شارح بزرگ نهج البلاغه، علامه محمدتقی جعفری دس‌سره

ه. از زخارف (زر و زیور مشغول کننده دنیا) اعراض فرموده بود و زندگی پیامبر اکرم با کمال وضوح و عیوب و بدی‌های تعلق به دنیا را اثبات کرده است.
ابنعتنه بالثور المصی، و البرهان الجلی، و المنهاج البادی، و الکتاب الهادی، أسرتة خیر أسرة، و شجرته خیر شجرة، أغصانها معتدلة، و ثمارها،
نهج البلاغه/خطبه ۱۱۶؛

التي قد ربک معروضا

پیامبر بر الاغ برهنه سوار شده و پیاده مسافرت فرموده است.

بلکه آن‌ش به شب پیاده رفته است

بار این و آنی بس پذیرفته است
متنهذلة، مولده بمکة و هجرته بطیبة، علابها ذکرة و امتدة بها صوته. أرسله بحجة کافیه، و موعظة شافیة، و دعة متلافیة. أظهر به الشرائع المجهولة، و قمع به البدع المدخولة، و بین به الأحکام المفصولة.
۴۰۰۰، نهج البلاغه/خطبه ۱۱۶؛ (خداوند متعال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را مبعوث فرمود، با نور روشنگر و برهان آشکار و روش و مسیر واضح، و کتاب هدایت‌کننده، دودمانش بهترین دودمان و درخت، نسیبش بهترین درخت‌ها، و دارای شاخه‌های معتدل، و میوه‌هایش برای چیده‌شدن آویزان. ولادتگاهش مکه و مهاجرتش به مدینه منوره. در آن شهر مقدس بود که ذکر آن حضرت اعتلاء یافت، و صدای دعوتش گسترش یافت. خداوند او را با حجت کافی و موعظه شفایخش و با دعوت تدارک کننده تباهی‌های دامنگیر در زمان جاهلیت، فرستاد. خداوند به‌وسیله او قوانین مجهول شرع را آشکار ساخت، و بدعت‌هایی را که در دین داخل شده بود، ریشه کن فرمود و احکام مشروع و تفصیل بیان نمود.)

الف. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با دین اسلام که نوری روشنگر و برهانی آشکار و دارای روشی است واضح، با کتایی هدایت‌کننده مبعوث شده است.
ب. نیاکان و دودمان و اولادش بهترین نیاکان و دودمان و اولاداست. [این صفت می‌نظیر در خطبه ۹۴ ص ۱۲۳ نیز آمده است.]

ج. خانه و پیرامون خانه در سوگواری پیامبر اکرم ناله و شیون کرده‌اند.

ح. در آن موقع فرشتگان برای نماز یا درود به پیامبر اکرم در حال رفت و آمد بوده‌اند.
۱۵- جلله‌الله اهلای لرساله، و کرامه لآسته، و ربیعا لأهل زمانه، و رفعة لأعوانه، و شرفا لأنصاره
(خداوند سبحان آن بزرگوار را مبلغ رسالتش قرار داد و کرامتی برای امتش و بهاری برای اهل زمانش و عظمتی برای یاوران و شرفی برای یارانش.)
الف. مبلغ رسالت الهی؛
ب. کرامتی برای امت؛
ج. بهاری برای اهل دورانش؛
د. عظمتی برای یاوران و شرفی برای کمک‌کنندگان.

۱۶- کنّا إذا احمر البأس اتقینا برسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، فلم یکن أحد منا أقرب إلی العدوّ منه، نهج البلاغه/حکمت ۹؛ (هنگامی که خطر شدید می‌گشت، ما رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را سپهر می‌گرفتم، [با پناه بردن به او خود را حفظ می‌کردیم] هیچ یک از ما به دشمن نزدیک‌تر از او نبود.)
الف. پیامبر اکرم دارای اکی‌ترین توکل به خدا و شجاعت و علاقه به شهادت بوده است.

۱۷- و کان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إذا احمر و أحمج الناس، قدّم أهل بیته فوقی بهم أصحابه حرّ السیوف و الأسته، فقتل عبیده بن الحارث یوم بدر و قتل حمزة یوم أحد و قتل جعفر یوم مؤتة، نهج البلاغه/تاریخ ۱۰۸. (هنگامی که جنگ شدت می‌گرفت و مردم از بیم جان از حمله یا از دفاع امتناع می‌کردند، اهل‌بیت خود را پیش می‌انداخت و به‌وسیله آنان یاران خود را از ضرب‌های سخت دشمنی‌ها و نیزه‌ها مصون می‌ساخت. عبیده بن الحارث درجنگ بدر و حزم‌بن عبدالمطلب در جنگ احد و جعفر در جنگ مؤتة کشته شدند.)
الف. نه تنها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دودمان خود را در مسئله حیات و موت مساوی می‌دید، بلکه در گرفتاری‌های شدیدتر دودمان خود را زودتر از دیگران آماده شهادت می‌فرمود. نتیجه اعتقاد امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود نازنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به‌وجود عالی‌ترین صفات انسانی الهی در وجود مقدس پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای اثبات بالاترین کمالات ممکن در وجود یک انسان کافی است. بی‌ینوا کسانی که آن‌همه صفات با عظمت انسانی الهی را در وجود مقدس خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دیدند و با این حال برای اثبات رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و

رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و

رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار محکم شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌وجود صفات مزبور در وجود پیامبر اعظم می‌توانگی برای اثبات رسالت او کافی می‌باشد. البته اگر کسی با مشاهده انصاف پیامبر اکرم را عالی‌ترین صفات و اخلاق الهی، نتواند فوق طبیعی بودن او و رسالت‌از او معجزه می‌خواستند، زیرا به‌راستی، ایمان بسیار